



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

A white dove is shown in flight, moving from the left side of the frame towards the right. The background is a soft-focus landscape with a blue sky and white clouds. The overall color palette is dominated by blues and whites, creating a serene and peaceful atmosphere.

عزت حسینی در فرهنگ عاشورا

حسین ابراهیمیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزت حسینی در فرهنگ عاشورا

نویسنده:

حسین ابراهیمیان

ناشر چاپی:

فصلنامه دانشگاه اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ عزت حسینی در فرهنگ عاشورا
۶ مشخصات کتاب
۶ مفهوم شناسی عزت
۶ عزت در قرآن
۷ عزت در فرهنگ عاشورا
۹ نتیجه گیری
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عزت حسینی در فرهنگ عاشورا

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۴۷۶۹

سرشناسه: ابراهیمیان، حسین

عنوان و نام پدیدآور: عزت حسینی در فرهنگ عاشورا/ ابراهیمیان، حسین

منشأ مقاله: فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، ش ۱۶، (زمستان ۱۳۸۱): ص ۱۶۷ - ۱۷۷.

توصیفگر: فضایل اخلاقی

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: قرآن

توصیفگر: فرهنگ اسلامی

توصیفگر: عزت نفس

مفهوم شناسی عزت

مفهوم «عزت» به گفته راجب اصفهانی در کتاب وزین «مفردات القرآن» به معنای آن حالتی است که انسان را مستحکم و شکست ناپذیر می‌سازد و نمی‌گذارد آدمی در پیچ و خم زندگی، مقهور عوامل درونی و بیرونی شده و شکست بخورد. به همین جهت، زمین صفت و سختی و به چیزی که وجودش کمیاب باشد که نفوذ ناپذیر است «ارض عزاز» می‌گویند، «عزیز الوجود» می‌گویند؛ مثلاً به گوشت نایابی که نمی‌توان به آن دست یافت «تعزز اللحم» می‌گویند. و نیز به کسی که پرصلابت است و هرگز مقهور کسی نمی‌شود «عزیز» می‌گویند. در قرآن کریم نیز واژه «عزّت» هم در معنای فوق به کار رفته است، مانند: (فان العزّة لله جمیعاً)؛ شکست ناپذیری و قاهریت تنها از آن خداوند است. و هم به معنای «صعوبت و سختی» بکار رفته است، مانند: (عزیز علیه ما عنتم)؛ سخت و گران است بر او رنج شما. و به علاوه معنای «غیرت و حمیت» نیز آمده است، مانند: (بل اللّٰذین کفروا فی عزّة و شقاق) بلکه آنها که کافر شدند، گرفتار غیرت هستند. و هم چنین در معنای «غلبه و سیطره» نیز به کار برده شد، مانند: (وعزّنی فی الخطاب)؛ در سخن گفتن بر من غلبه کرد.

عزت در قرآن

در قرآن واژه عزت ۹۲ بار تکرار شده و یکی از اسمای حسنی خداوند «عزیز» است. قرآن کریم، تمام عزّت را تنها از آن خداوند می‌داند: (ولله العزّة جمیعاً) و عزیز واقعی را فقط خدا می‌نامد و بس. زیرا تنها موجود قاهر و شکست ناپذیر این عالم که مقهور چیزی نمی‌شود، فقط خداوند است، و سایر مخلوق‌ها به دلیل فقر ذاتی و محدودیتشان قابل شکست می‌باشند. و چون تمامی عزت از آن اوست، لذا همه مخلوق‌ها می‌بایست مقام عزت را تنها از او مطالبه نمایند، تا سهمی از عزت نصیب آنان نماید: (من کان یرید العزّة فله العزّة جمیعاً) همان طوری که همین کار را با ایمان آورندگان انجام داده و سهمی از عزّتش را به آنان عطا فرمود: (ولله العزّة و لرسوله و للمؤمنین)؛ عزت، خاص خداوند و رسول او و مؤمنین است. اگر پیامبر و مؤمنان عزیزند، این عزت را در پرتو عزت خداوند کسب نموده‌اند. زیرا بندگی و اطاعت از خداوند عزیز، عزّت آفرین است، لذا در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که

فرمود: «ان ربکم يقول كل يوم انا العزيز، فمن اراد عز الدارين فليطع العزيز؛ پروردگارشما همه روزه می گوید: منم عزیز و هر کس عزت دو جهان خواهد، باید اطاعت عزیز کند». در آیه دیگری نیز عزت و ذلت انسان را به دست خدا می داند و می فرماید: (الذین يتخذون الكافرين اولياء من دون المؤمنين ايتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعاً) آنان که به جای مؤمنین، کفار را ولی و دوست خود برمی گزینند و عزت خود را در نزد آنها جست و جو می کنند، این را بدانند که عزت تنها به دست اوست. عزت حقیقی و جاودانه، عزت خداوند و پیامبر و مؤمنان است، و عزتی که کافران از آن بهره مندند، «تعزز» است نه عزت؛ یعنی در حقیقت، ذلت و خواری است؛ چنان که رسول اکرم (ص) فرمود: «کل عز لیس بالله فهو ذل؛ هر عزتی که از خدا نیست ذلت است». و در آیه دیگر، راه دست یابی به عزت و نیز راه ذلت و زبونی را بیان فرمود: (من كان يريد العزة فلله العزة جميعا اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه) راه عزت تنها ایمان و عمل صالح است، و غیر از این راه، ذلت و خواری است: (ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا). لذا از بنی اسرائیل که از راه ایمان و عمل صالح فاصله گرفته اند، به عنوان افرادی که ذلیل شده اند، نام می برد: (ضربت علیهم الذلة والمسکنة). پس هر کس که از راه عبودیت و بندگی خدا، عزت را جست و جو نماید، قطعاً به عزت حقیقی دست خواهد یافت: (فانه قد تکفل باعزاز من اعزه)؛ خداوند عزت بخشیدن هر که را که او را عزیز دارد بر عهده گرفته است. اساساً فرهنگ قرآنی، انسان مسلمان را از پذیرفتن هر نوع ذلت و خواری، تسلیم فرومایگان شدن، اطاعت از کافران و فاجران نهی می کند؛ تا آن جا که حتی در فقه ما، یکی از موارد جواز تیمم با وجود آب، آن جاست که اگر انسان بخواهد از کسی آب بگیرد، همراه بامنت، ذلت و خواری باشد. در این جا نماز گزار می تواند به جای وضو تیمم نماید، تا ذلت طلب آب از دیگری را تحمل نکند. اگر در قرآن کریم؛ تمسخر و تحقیر دیگران، فحش و ناسزاگویی، منت گذاشتن و امثال آن ممنوع اعلام شده است، همه برای آن است که عزت و کرامت انسان ها در هم نشکند. و این که بر اساس آداب اسلامی، انسان مسلمان حق ندارد نقاط ضعف، عیب ها و گناهانش خود را نزد کسی افشا و اظهار نماید، به خاطر حفظ عزت نفس است. اگر قرآن می فرماید؛ عزت خواستن از غیر خدا ممنوع است: (ایتغون عندهم العزة) و نیز تعریف و تمجید ستمگران از گناهان کبیره شمرده شده است، به این دلیل است که افراد ناشایست عزیز نشوند و افراد شایسته ذلیل نگردند. در بینش اسلامی ریشه همه زشتی ها، ستمگری ها، تبه کاری ها و گناهان «ذلت نفس» معرفی شده و بهترین راه اصلاح این امور نیز، عزت بخشی به جامعه اسلامی و عزت آفرینی در افراد جامعه است. امام علی (ع) می فرماید: «من هانت علیه نفسه فلا ترح خیره؛ کسی که گرفتار پستی و ذلت نفس باشد، به خیرش امید نداشته باشد». و امام صادق (ع) در روایتی فرمود: «ان الله تبارک و تعالی فوّض الی المؤمن کل شیء الا اذلال نفسه؛ خداوند همه امور را به خود مؤمن واگذار نمود، جز آن که خود را به ذلت و خواری بکشاند». گفتنی است که در فرهنگ قرآن، عزت بر دو گونه است: الف) عزت ممدوح و شایسته، چنان که ذات پاک خدا را به عزیز توصیف می کنیم؛ ب) عزت مذموم و آن، نفوذناپذیری در مقابل حق و تکبر از پذیرش واقعیات می باشد و این عزت در حقیقت ذلت است. (واذا قيل لهم اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبهم جهنم ولبس المهاد). قرآن برای بیدار ساختن این مغروران غافل، از تاریخ و سرنوشت اقوام متکبر مثال می آورد: (کم اهلکنا من قبلهم من قرن).

عزت در فرهنگ عاشورا

عزت به عنوان یک خصلت متعالی نفسانی و به معنای نفوذناپذیری، صلابت نفس، شکستناپذیری، مقهور عوامل بیرونی نشدن، کرامت و والایی روح انسانی، در مقابل واژه ذلت قرار دارد که به معنای تن به پستی و دنائت دادن، ستم پذیری، زیر بار منت رفتن و تحویل سلطه باطل است. از زیباترین خصلت ها و روحیاتی که در عاشورا تجلی نمود، جلوه های گوناگون «عزت» بود. دودمان بنی امیه می خواستند ذلت بیعت با خویش را بر حسین بن علی (ع) تحمیل کنند، ولی روح بلند حسین (ع) و یارانش این ذلت و

فرومایگی را تحمل نمود و فریاد برآورد که: «لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل؛ هیچ گاه همانند انسان‌های پست و ذلیل، دست بیعت با شما نخواهم داد». امام (ع) در یکی از شورانگیزترین سخنانش در کربلا فرمود: «الا انّ الدّعی بن الدّعی قد رکزنی بین اثنتین، بین السّله والذّله، هیهات منالذّله؛ یزید بن معاویه مرا میان کشته شدن و ذلت مخیر نمود، ولی من هرگز جانب ذلت و خواری را نمی‌گیرم». بعد در ادامه فرمود: این را خدا و رسول و دامن پاک عترت و نفوس با عزت نمی‌پذیرند. من هرگز اطاعت از ستمگران را بر شهادت عزت بخش ترجیح نخواهم داد. به خدا قسم! آنچه را از من می‌خواهند، نخواهم پذیرفت [ذلت و خواری را] تا این که خدا را آغشته به خون خویش دیدار نمایم». این سخن بلند و حیات بخش اوست که در رجزخوانی‌های روز عاشورا پیش می‌فرمود: «الموت اولی من رکوب العار؛ مرگ نزد من از ننگ و خواری برتر است. «و باز می‌فرمود: «موت فی عزّ خیر من حیاه فی ذلّ؛ مرگ با عزت از زندگی همراه با ذلت برتر و بالاتر است». در دعاهای بلندشان به ما آموختند که چگونه طلب عزت نمایم: «اللهم وفی صدور الکافرین فعظمنی وفی اعین المؤمنین فجلّنی وفی نفسی و اهل بیتی فذلّنی؛ خداوند! مرا در نزد بیگانگان عظیم و عزتمند و در نزد مؤمنین بزرگوار و در نزد خودم، حقیر و به دور از تکبر گردان». در دعای روز عرفه فرزندش امام سجاد (ع) می‌خوانیم: «ذلّنی بین یدیک واعزّنی عند خلقک، وارفعنی بین عبادک...؛ خدایا مرا نزد خودم، حقیر گردان و نزد مردم، عزیز گردان و بین بندگان خود رفعت بخش». در فرهنگ عاشورا آموختیم که اگر دست‌یابی به عزت راهی جز مرگ و کشته شدن نداشته باشد، باید این راه را پیمود تا به ساحل شرافت و عزت برسیم. لذا امام (ع) پس از برخورد با سپاه حَزّ فرمود: «من از مرگ، باکی ندارم. مرگ راحت‌ترین راه برای رسیدن به عزت است. مرگ با عزت، حیات ابدی است و زندگی ذلت‌بار، مرگ واقعی است. آیا مرا از مرگ می‌ترسانید؟ چه خیال باطلی! هرگز از ترس مرگ، ظلم و ذلت را تحمل نمی‌کنم. درود بر مرگ در راه خدا! شما با کشتن من نمی‌توانید شکوه و عزت و شرافت مرا از بین ببرید. هیچ هراسی از مُردن ندارم». امام حسین (ع) این روحیه زیبای عزتمند را به اصحاب و یاران و فرزندان نیز منتقل نمود. لذا می‌بینیم قاسم بن حسن (ع) در آن بیان زیبایش می‌گوید: «وقتی زمامداران نظام ما افراد فاسدی، همچون یزید و ابن زیاد باشند، در این صورت مرگ برای من از عسل شیرین‌تر و زندگی با ستمگران مایه ننگ و خواری خواهد بود». و برادرش عباس بن علی (ع) پذیرفتن امان‌نامه ابن‌زیاد را ننگ و ذلت ابدی تلقی نموده و به شدت رد می‌کند، در صورتی که اگر می‌پذیرفت، جان سالم به در می‌برد. فریاد برآورد: «مرگت باد ای‌شمر! نفرین خدا بر تو و امان تو باد. از من می‌خواهی که زیر بار ستم و ذلت تو بروم و از یاری امام دست بردارم؟! امام (ع) در آخرین لحظه‌های وداع نیز خطاب به کودکان خردسالش فرمود: «پس از من دشمن شما را اسیر می‌کند، ولی هرگز ذلیل نمی‌شوید. او شما را به اسارت می‌برد، ولی نمی‌تواند به ذلت بکشد. شما خاندان عزت، کرامت و شرافت هستید». و فرزندش امام سجاد (ع) در خطبه آتشین شام خطاب به رژیمن بنی‌امیه فرمود: «ای یزید! خیال کرده‌ای با اسیر گرفتن ما و به این سو و آن سو کشیدنمان، ما خوار و ذلیل شده‌ایم و تو عزیز و شریف گشته‌ای؟ به خدا قسم! نه یاد ما محو می‌شود و نه وحی ما می‌میرد و نه ننگ این حادثه از دامن تو پاک می‌گردد». یکی از درس‌های حیات بخش عاشورایی این است که هم فرد مسلمان باید عزیز زندگی کند و هم جامعه اسلامی باید با عزت و سربلندی به پیش برود. از عزت فردی خود فرد باید پاسداری نماید و عزت اجتماعی را در درجه نخست، حاکمان و زمامداران جامعه باید حفظ نمایند. در تفکر عاشورایی، نه فرد حق دارد عزت و آقایی خود را بفروشد و زیربار حقارت و ذلت برود و نه جامعه. فلسفه جهاد در اسلام، همانا حفظ عزت جامعه اسلامی است: «جعل الله الجهاد عزّاً للاسلام». هم‌چنین و یکی از فلسفه‌های دعا و نیایش برای حراست از عزت و آبروست، تا از غیر خدا طلب نکنیم و همه خواسته‌ها و نیازهایمان را تنها از خداوند مطالبه نماییم: «اطلبوا الحوائج بعزّة الانفس». جمعی از اصحاب خدمت رسول گرامی اسلام (ص) عرض نمودند: بهشت را برای ما ضمانت نما. فرمود: «ان لا تسأل الناس شیئاً» به شرط این که هیچ گاه دست نیاز به سوی مردم دراز نکنید و عزت و کرامت نفس خود را از دست ندهید. رسول اکرم (ص) هنگامی که سوار بر مرکب بود، هرگز اجازه نمی‌داد که کسی پیاده پشت سرش حرکت نماید و این را

نوعی تحقیر نفس به حساب می‌آورد. در تفکر اسلامی، از هر چیزی که زمینه‌ساز ذلت می‌شود نهی شده است. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «ما أحب أن لى بذل نفسى حُمُر النعم؛ دوست ندارم دارای شتران سرخ‌مو [ثروت کلان] باشم، ولی در برابر تحصیل آن لحظه‌ای تن به ذلت بدهم». در تفکر حسینی، شکستی که برای دست‌یابی به عزت باشد، شکست نیست، بلکه پیروزی واقعی است. لذا در روز عاشورا می‌فرماید: «... وان نغلبه فغیر مغلبینا؛ اگر شکست بخوریم و کشته شویم، هرگز شکست نخورده‌ایم، در این راه ما را شکستی نیست. آن آموزگار بزرگ عزت و افتخار، در اولین خطبه‌ای که هنگام ورود به کربلا ایراد نمود، چنین فرمود: «فأنتی لا اری الموت الاّ- سعادة والحيوة مع الظالمين الاّ- برما؛ من مرگ را جز سعادت و خوش‌بختی نمی‌دانم و زندگی با ستم‌کاران را جز ملامت و نکبت و بدبختی نمی‌بینم». او مرگ با عزت را زندگی واقعی می‌دید و زندگی با ذلت را مرگ و نابودی می‌دانست. ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: حسین (ع) چون نمی‌خواست، تن به ذلت بدهد و می‌دانست که این‌زیاد اگر هم او را نکشد، به خواری و ذلتش خواهد کشاند، شهادت را بر چنین زندگی برگزید. او شخصیتی بود که ستم‌پذیری را ننگ و عار می‌دانست». حدیث عزتمندی و شرافت‌مداری حسین بن علی (ع) از آغاز نهضت کربلا تا پایانش این بود که می‌فرمود: «وأنه لا اعطى الدتیه من نفسی ابداً؛ من هرگز تن به ذلت نخواهم داد و زیر بار پستی نخواهم رفت». از اشعار حماسه‌آفرینی که همواره زمزمه زیر لب آن برترین نمونه عزت و شرف تاریخ بشریت بود این سروده بلند بود که می‌فرمود: «وان تکن الابدان للموت انشئت فقتل امرئى بالسيف فى الله افضل اقدم نفسى لا اريد بقاءها لتلقى خميساً فى الهياج عمرها اگر بدن‌های انسان‌ها برای مرگ و مُردن آفریده شد، پس کشته‌شدن انسان باشمشیر در راه خدا برتر و شرافت‌مندانه‌تر است. من جان خود را فدا می‌کنم و ماندن را نمی‌خواهم و به زودی در نبردی سخت با خصمی بزرگ به مقابله خواهم پرداخت. این جمله‌ها و اشعار، اوج عزتمندی پیشوای بزرگ شیعه را می‌رساند که با کشته‌شدنش به شیعیانش آموخت که فلسفه زندگی و حیات چیست و پیروزی نهایی از آن کیست؟ شیعه حسین بن علی (ع) باید معنای مرگ و زندگی را از مولایش بیاموزد که وقتی لشکر ابن‌زیاد راه را بر کاروان آن حضرت بست و او را به مرگ تهدید نمود، فرمود: «ما اهون الموت على سبيل نيل العزّ واحياء الحق، ليس الموت فى سبيل العزّ الاّ حياء خالد. وليست الحياء مع الذلّ الاّ الموت الذى لا- حياء معه؛ «چگونه مرگ و مُردنی که برای دست‌یابی به عزت و شرف و احیای دین باشد، راحت و سبکی است. مرگ در راه شرافت و عزت، جز زندگی ابدی و جاوید نیست و زندگی همراه با خواری و ذلت، جز مرگ و فنا نیست».

نتیجه‌گیری

هر مکتب تربیتی برای تربیت انسان‌ها، اصول و راه و رسمی را پیشنهاد می‌نماید و در مکتب حسین بن علی (ع)، اساس تربیت انسان‌ها «عزت‌مداری» و زندگی همراه با عزت و شرافت انسانی است. انسانی که در این مکتب پرورش می‌یابد، فلسفه مرگ و زندگی را به خوبی دریافته و در هر شرایطی بر حفظ عزت پافشاری نموده و هرگز حاضر نمی‌شود حیات با ذلت و خواری را بر مرگ با عزت و شرافت ترجیح دهد. او «قتیل العزّة» نامیده شد، تا درس‌سازش ناپذیری و روح عزتمندی را به پیروانش منتقل سازد. او به انسان‌ها آموخت که نقش عزت در تربیت، نقش اساسی است به طوری که اگر عزت نباشد؛ انسان به هر زشتی و پستی تن می‌دهد و به هر گناهی آلوده می‌گردد. ذلت نفس منشأ همه بدی‌ها و فسادهاست. لذا بهترین راه برای اصلاح فرد و اجتماع، انتقال روح عزتمندی به آنان است. روح عزت است که انسان‌ها را در برابر خداوند خاضع و فروتن می‌سازد و در برابر غیر خدا تسلیم‌ناپذیر و سربلند می‌نماید. حسین بن علی (ع) با قیام و نهضتی که در تاریخ برپا نمود و با مکتبی که به عنوان مظهر عزت و کرامت انسانی آفرید، انسان‌ها را به عزت حقیقی که همان ذلت در برابر رب و سازش‌ناپذیری در برابر غیر رب بود، رهنمون ساخت.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

